هو اللّه - رشت حضرت ابتهاج الملک عليه بهاء اللّه، ايّها…

عبدالبهآء

اصلی فارسی



# هو اللّه

رشت حضرت ابتهاج الملک عليه بهاء اللّه، ايّها الابتهاج کن کالسّراج الوهّاج فی زجاج محبّت اللّه تا ابتهاج روحانيان گردی و امتزاج بين آب و آتش دهی زيرا بتحليل آب و آتش را آميزش توان داد و عليک التّحيّة و الثّنآء.

رشت حضرت مدبّر الممالک عليه بهآءاللّه، ای ثابت بر پيمان، تدبير در امور عبارت از اتقانست يعنی بايد هر امری را چنانکه بايد و شايد اجرا نمود مثلاً جام نورانيرا صهبای رحمانی بايد چنانچه شاعر گفته رقّ الزّجاج و راقت الخمر و تعاکسا فتشابه الامر و کانمّا قدح و لا خمر. صفای جام و لطف باده هر بری آئينه اولمشدر تعاکسد نطولائی شبهه يه ميدان قالمشدر دگل صهبای جانپرور باقن الحقّ قدح در بو دگل بو جام ياقوتی می الحقّ سايه صالمشدر. پس معلوم گرديد که فيض رحمانيرا قلب نورانی لازم و پرتو شمس حقيقت را آينه جهان نما سزاوار و عليک التّحيّة و الثّنآء

رشت حضرت سعيد الملک عليه بهآء اللّه، ای بنده پروردگار سعادت عالم ملک چون با بشارت عالم ملکوت توأم گردد نورٌ علی نور شود انشاءالله بهر دو فائزی و عليک التّحيّة و الثّنآء. رشت حضرت مبصّر الملک عليه بهآءاللّه، ای ثابت بر پيمان بصر در عالم ملک کشف صور اشيا نمايد ولی بصيرت در عالم ملکوت کشف حقائق ممکنات کند اميدوارم که بهر دو موفّق و مؤيّد و فائز باشيد و عليک التّحيّة والثّنآء.

رشت حضرت حاجی آقا خليل عليه بهآء اللّه، ای خليل جليل حمد خدا را که بنورانيّت جهان الهی عزيز و نبيلی و در نار نمرودی گلشن رحمانی يافتی و از عون و صون جبريل نيز رخ بتافتی در خطاب الک حاجةٌ امّا اليک فلا گفتی و عليک التّحيّة الثّنآء. رشت حضرت آقا سيّد محمّد مجتهد عليه بهآء اللّه، ای سيّد بزرگوار عالم انوار است و معرض اسرار و مصدر آثار افق حقيقت روشن است و انجمن رحمانی غبطه صحرا و چمن وقت نوبهارست و سير گلگشت و گلبن و گلزار و من بياد تو مشغول و مسرور در ليل و نهار و عليک التّحيّة و الثّنآء.

رشت جناب ميرزا عليرضا خان عليه بهاء اللّه، ای يار مهربان بشارات حضرت رحمن پياپی است و پيک نيک پی مژده الطاف حضرت يزدان ميدهد بلبل گلبانگ صلح و صفا ميزند و مژده صلح و امان ميرساند و آيات راستی و آشتی ترتيل مينمايد پس تا توانی در سلامت عموم بکوش و جز الفت و محبّت مينديش و عليک التّحيّة و الثّنآء.

رشت جناب ميرزا محمّد عليخان عليه بهآء اللّه، ای دوست صميمی من براستی و حقّ پرستی انسان در عالم امکان روشن و تابان گردد. الحمد للّه رخی بنور محبّت اللّه روشن داری و کاخی بانجمن ياران گلشن و عليک التّحيّة و الثّنآء. رشت جناب ميرزا ابوالقاسمخان عليه بهآء اللّه، ای يار ديرين الحمد للّه در بهار روحانی مانند گل رحمانی پيرهن چاک نمودی و شکفته و مشکبار گشتی و عليک التّحيّة و الثّنآء.

رشت جناب آقا سيّد اسداللّه عليه بهآء اللّه، ای بنده الهی، اينجهان فانيرا بقائی نه و اين خاکدان ترابی را صفائی نه و ياران جسمانی را وفائی نه مرغ چمنستان حقيقت البتّه هر وقت آرزوی گلشن تقديس نمايد و بگلبن معانی پرواز خواهد و عليک التّحيّة و الثّنآء.

رشت جناب آقا سيّد مهدی عليه بهآءاللّه، ای بنده الهی نور هدايت چون در شبستان دل پرتو انداخت جان را از تقيّد آب و گِل رهائی بخشيد جهان ديگر يافت و بگلشن ديگر شتافت و عليک التّحيّة و الثّنآء.

رشت جناب آقا سيّد ناصر عليه بهآء اللّه، ای روحانی انشاءالله منصوری و مغفور و مؤيّدی و موفّق در عبوديّت آستان مقدّس بنده شاطری و بيچارگانرا معين و ناصر و عليک التّحيّة و الثّنآء.

رشت جناب آقا ميرزا يحيای حکيم عليه بهاءاللّه، ای طبيب قلوب حکمت يونانيان دوای جسمانيان نمايد ولی حکمت لقمانی و طبّ رحمانی علاج دل و جان کند اميدوارم که بهر دو مؤيّد گردی و عليک التّحيّة و الثّنآء.

رشت جناب ميرزا آقای حکيم عليه بهآءاللّه، ای حکيم حليم بيماران را بروح و ريحان معالجه نما و تا توانی دل و جان شادمان کن بسرور روحانی امراض و علل بی‌ پايان را تداوی ممکن زيرا قلب چون فرح يابد تأثير عظيمی در جسم و تن نمايد و طبيب بتفريح و تبشير و تسرير روحانی علاج عظيم تواند و عليک التّحيّة و الثّنآء.

رشت جناب حاجی ميرزا محمّد ارباب عليه بهآء اللّه، ای ثابت بر پيمان ارباب جمع ربّ است و ربوبيّت وجود در عبوديّت درگاه حضرت مقصود تا توانی در اينمقام ثابت و مستقيم باش تا جميع اشيا را طائف حول بينی و عليک التّحيّة والثّنآء.

رشت جناب ناظم ميزان عليه بهآءاللّه، ای بنده رحمن ميزان قويم و قسطاس مستقيم اليوم عهد و پيمانست جميع باين ميزان موزون گردند و امّا من ثقلت موازينه فهو فی عيشة راضيه و امّا من خفّت موازينه فامّه هاويه و عليک التّحيّة و الثّنآء. رشت جناب سراج ديوان ای بنده بها، مانند شمع در بين جمع ياران برافروز و چون شاهد عشق در انجمن رحمن پرده بسوز نور تابان شو و جلوه بی‌پايان نما و عليک التّحيّة و الثّنآء.

رشت جناب آقا علی عليه بهآء اللّه، ای بنده حقّ عالم امکان را انقلابات بيحد و پايانست. گهی اوجست و گهی حضيض گهی سود است و گهی زيان امرِ معسور عاقبت ميسور گردد و شدّت برخا تبديل شود و عليک التّحيّة و الثّنآء رشت جناب آقا غلام عليه بهآءاللّه، ای بنده ثابت الهی محزون مشو مغموم مگرد دلخون منشين مخمود مشو امور را حکمتی در پی و زحمت را رحمتی در عقب شجر چون بی‌ برگ گردد سبز و خرّم شود و مرغ مقصوص الجناح پر تازه بروياند و هلال ضعيف بدر منير گردد لا تحزن انّ اللّه معنا و عليک التّحيّة و الثّنآء ع ع

